

مقدمه

در بیشتر کتابهای تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران، ایجاد مؤسسات جدید تمدنی مانند مدارس، دانشگاهها، ادارات و... را مربوط به دوران بعد از مشروطیت و به خصوص، در دوره زمامداری پهلوی می دانند. اگرچه، برخی از گفته ها و نوشته ها تا اندازه ای نزدیک به واقعیت می باشد از آن جمله، درباره مؤسسات خبری و اطلاعاتی مانند رادیو و تلویزیون و ماهواره که به خودی خود، در اثر پیشرفتهای علمی بین المللی و وابستگی کشورها به جهت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... به وجود آمده اند و در جهان امروزی نیز نمی تواند خود را به دور از دیگر کشورها اداره کنند. این واقعیت خود سبب دگرگونی اقتصادی و در مرحله بعد، عدم پیشرفت علمی، هنری و صنعتی می گردد. با این حال، بسیاری از تشکیلات فرهنگی در ایران به مانند کشورهای اروپایی از سالهای گذشته پایه گذاری شده و در زمانهای بعد در اثر برقراری روابط سیاسی، اقتصادی و... بین ایران و کشورهای اروپایی و یا به علت نفوذ سیاستهای اروپایی زمینه های کامل ساختن آنها فراهم آمد. در این بین، آشنایی روزافزون ایرانیان از سالهای پایانی دوره صفویه و گرایش آنان به تمدن و فرهنگ اروپایی بر این تأثیر افزود. به علاوه حضور مستشاران نظامی از فرانسه، روسیه و انگلیس و تبلیغ کشیشهای مذهبی (مسیونرها) از یکسو، و رفت و آمد بازرگانان و کارپیشگان اروپایی برای تجارت و کار در ایران از طرف دیگر، به این واقعیت رنگ بیشتری بخشید.

همزمان با انتشار معارف اروپایی بسیاری از مردم به خصوص، اشراف و بزرگان جامعه با جنبه های تکمیلی آن آشنا شدند. در همین رابطه رفتن تعدادی از شاهزادگان به اروپا در زمان ولیعهدی عباس میرزا (۱۲۴۹-۱۲۰۳ ق. ۱۸۸۶-۱۸۳۳ م.) و نیز در دوره سلطنت فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۱۸۵ ق. ۱۸۳۴-۱۷۷۱ م.) و دیدن جنبه های تمدنی آنجا، آنها را بیش از پیش به همسو شدن با زبان و آداب غربیان نزدیک ساخت.

فکر ایجاد اصلاحات اساسی در حوزه های اداری، اجتماعی و نظامی ایران، بیشتر از سالهای پایانی سلطنت فتحعلی شاه و در زمان ولیعهدی عباس میرزا آغاز شد. اما بعد از مرگ وی، در زمان صدارت محمد میرزا (محمدشاه آینده) ادامه این روند به جهت بی اطلاعی و بی لیاقتی حاج میرزا آغاسی، وزیر وی، با کندی و وقفه مواجهه گردید. تا اینکه در دوره صدارت ناصرالدین میرزا (ناصرالدین شاه آینده) و به خصوص در دوره کوتاه وزارت میرزا تقی امیرکبیر، زمینه های انجام اصلاحات یاد شده، به تکمیل روزافزونی فراهم آمد. به طوری که بخش زیادی از پیشرفتهای امروزی در آن زمان پایه گذاری شد. به دیگر سخن، از دوران سلطنت ناصرالدین شاه تا پایان سلطنت احمدشاه و در واقع، سرانجام زمامداری قاجاریه در ایران، دوره پیدایش یک نهضت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می باشد. به همین جهت، شاید بتوان این دوران را علی رغم بی خبری و وابستگی پادشاهان کشور، به عنوان دوران رنسانس یا تحولات اساسی برهه معاصر ایران دانست. از این روست که تحولات فرهنگی این زمان، تأثیر فراوانی بر سرنوشت ایران در حوزه های مختلف آن بر جای نهاد.

محصلان اعزامی به اروپا در زمان فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ق.) و سلطنت محمدشاه قاجار (۱۲۶۴-۱۲۲۲ ق.)

دکتر احمد هاشمیان

یحیی خان مشیرالدوله یا معتمدالملک (۱۳۰۹-۱۲۴۷ق.)

یحیی خان در سال ۱۲۴۷ق. یعنی در سال سوم پایانی سلطنت فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۱۸۵ق.) متولد شد. وی پسر سوم میرزا نبی خان قزوینی و نوه عابدین دلاک از اهالی مازندران بود. (۱)

میرزا نبی خان زیر نظر علی میرزا رکن الدوله، پسر فتحعلی شاه تربیت شد و به علت زیرکی و هوش زیاد خود، مراحل رشد و ترقی روزافزون را طی کرد. تا جایی که در زمان صدارت حاجی میرزا آغاسی، در مقام امیر دیوانخانه عدلیه رسیده و به لقب امیر دیوان نائل گشت. میرزا نبی خان امیر دیوان دارای چهار پسر بود:

۱- حاجی میرزا حسین خان، سپهسالار اعظم

۲- نصرالله خان، نصرالملک

۳- یحیی خان، مشیرالدوله

۴- حاجی میرزا عبدالله خان، علاءالملک

او که در تربیت فرزندان خود کوشا بود، حاجی میرزا حسین و یحیی خان را برای تحصیل به فرنگ فرستاد. (۲) حاجی میرزا حسین خان پس از طی اقامتی کوتاه در اروپا و بازگشت به ایران، در سال ۱۲۶۶ق. از طرف میرزا تقی خان امیرکبیر به سمت کنسولگری ایران در بمبئی (هندوستان) انتخاب گردید و به مأموریت در آن کشور فرستاده شد. یحیی خان، برادر او نیز که از کودکی رهسپار فرانسه گردید، علاوه بر فراگیری زبان آن کشور، به تدریج با آداب و رسوم و سیاست و تمدن غربی نیز آشنا شد.

هما ناطق درباره تحصیل این دو برادر در کتاب خود می نویسد:

“... قرار بود یحیی خان (مشیرالدوله) هم پزشکی بخواند. گویا به نیمه راه پشیمان شد و هوس مهندس شدن کرد. پدرش میرزا نبی وزیر، نامه تندی نوشت و خطاب به اولیای دولت فرانسه هشدار داد که فرزند وی بنا بود طب بخواند حالا می گوید میل به مهندسی دارد و حتی بر آن است علم جنگ و سرهنگی بیاموزد. میرزا نبی خان با نگرانی و مصراحت از مسئولان می خواست که با این کار مخالفت کنند زیرا که او مأمور است طب بخواند و طبابت بداند. خلاف حکم پادشاهی روحی فداه کردن، بسیار بد است. مواخذه دارد... او را از این خیالات بازدارید. یقین است که او را به خواندن طب ترغیب خواهید کرد.”

میرزا نبی در نامه دیگری به مسئولان دانشجویان نوشته و درباره وی می نویسد:

“اگر ترقی در یحیی خان به هم رسد، معلوم و مشخص است که از حسن اهتمام و وفور تربیت شماست. باعث نیکنامی به جهت شما خواهد بود. آن نورچشمی هم به کرات نوشت که کمال زحمت را در تربیت و درس او دارید و معلوم است که او را فرزند خود می دانید.”

او همچنین در رابطه با میرزا حسین خان که اندکی بعد از برادرش راهی پاریس شد به همان مهماندار نوشت:

“در این اوقات که نور چشم عزیز، میرزا محمد حسین خان... روانه آن حدود بود... خواهش اینکه مادام که فرزند عزیز میرزا محمد حسین خان در آن حدود است، از احوال او باخبر باشید و از تربیت و تعلیم او مضایقه نخواهید کرد. اما نمی دانیم که میرزا حسین خان

را برای تحصیل چه رشته‌ای مأمور کرده بودند.” (۳)

میرزا یحیی خان پس از بازگشت از فرانسه به سمت مترجم وزارت امور خارجه و اندکی بعد، به جانشینی سفارت ایران در پترزبورگ انتخاب شد. وی در زمان صدارت میرزا آقاخان نوری سمت آجودانی او را برعهده داشت. پس از برکناری میرزا آقاخان توسط ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۴۷ق.) وی به عنوان آجودان مخصوص و مترجم حضور شاه انتخاب گردید. او بعدها، به لقب معتمدالملک درآمد.

میرزا یحیی خان در سال ۱۲۸۴ق. با عزة الدوله، خواهر ناصرالدین شاه ازدواج می کند و بدین ترتیب داماد وی می گردد. او در سال ۱۲۹۰ق. به اتفاق برادرش حاج میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم با ناصرالدین شاه به سفر فرنگ می رود. بعد از بازگشت به ایران در سال ۱۲۹۱ق. شاه وی را به حکومت یزد منصوب و یک سال بعد در سال ۱۲۹۲ق. حکومت فارس را نیز به او واگذار می کند.

میرزا یحیی خان پس از فوت میرزا حسین خان سپهسالار در مشهد به لقب مشیرالدوله مفتخر گردید و به مقام وزارت عدلیه درآمد. بعدها نیز پس از بازگشت از سفر پترزبورگ به لقب جناب اشرفی ملقب گردید. به علاوه در سال ۱۳۰۳ق. به مقام وزارت امور خارجه انتخاب شد. اندکی بعد، عهده دار وزارت تجارت گشته و آن وزارتخانه را تا هنگام مرگش، در سال ۱۳۰۹ اداره می کرد.

دکتر فوریه پزشک ناصرالدین شاه در کتاب خود، سه سال در دربار ایران، درباره وی چنین می نویسد:

“یحیی خان مشیرالدوله که معمولاً او را مشیر می گویند ترقی خود را مدیون پیشامدی است که کاملاً از نوع داستانهای شرقی است. توضیح آنکه این مرد بسیار زیرک در جوانی به فرانسه فرستاده شد تا تحصیلات خود را در آنجا تکمیل کند. پس از آنکه زبان ما را به خوبی آموخت چنانکه امروز آن را به نهایت صحت بلکه ادیبانه تکلم می کند به تهران برگشت و شاه او را آجودان مخصوص خود کرد و به همین وسیله به مقام سلطنت تقرب حاصل نمود. در سال ۱۲۷۵ق. موقعی که اردوی شاه در منزل حوض سلطان بود و یحیی خان در جلوی چادر ناصرالدین شاه قراول می داد و دستور داشت که احدی را نگذارد به چادر داخل شود، حاجی مبارک خواجه سرا خواست به زور به داخل چادر سلطنتی قدم گذارد و یحیی خان مانع شد. حاجی مبارک قمه خود را کشیده چنان ضربتی به صورت یحیی خان زد که بینی او را شکافت. شاه از این سر و صدا از چادر بیرون جست و چون بر جریان قضیه اطلاع یافت، امر داد تا فی المجلس گردن مبارک را زدند و تمام دارایی او را به یحیی خان بخشید. بعد از چندی ناصرالدین شاه خواهر تنی خود را به یحیی خان به زوجیت داد و به او مشاغل عمده از قبیل حکومت‌های مهم بخشید و او را به الطاف جزیل سرافراز ساخت. امروز مشیرالدوله در تهران در قصری باشکوه منزل دارد و این منزل را شاه به او بخشیده و او در آنجا با کمال مهربانی و مهمان نوازی از واردین پذیرایی می کند. روزی وی مرا به آنجا دعوت کرد و گفت می خواهیم دو به دو از فرانسه و از پاریس که همه وقت به یاد آنها هستم صحبت کنیم و از این صحبت لذت ببریم. چندین بار با

همه گفته که هنوز نعش یحیی خان سرد نشده است تا جانشینی جهت او تعیین شود. از این جواب همه مدعیان بیم آن را دارند که شاه انتخاب خود را کرده باشد و به تغییر آن نیز راضی نشود. اما این یحیی خان نیکوسیرت در واقع حکم سیدی سوراخ را داشت که هیچ چیز در آن بند نمی شد. با اینکه در نتیجه ازدواج با عزة الدوله (۵) شاه به او مال و منال بسیاری بخشیده بود و از دو وزارتخانه زیر دست خود نیز مداخل فراوان می برد و در اعطای بعضی امتیازات نیز مبلغی معنی به او داده بودند. (۶) باز پس از فوت، قروض هنگفتی از او به جا ماند. وی مردی بود بسیار با لطف و مهمان نواز یقیناً بسیاری از مردم از مرگ این جوانمرد متأسف خواهند بود. شاه این برادر زن خود را بسیار دوست می داشت لیکن زیاد هم اعمال و اقوال او را جدی تلقی نمی کرد. (۷)

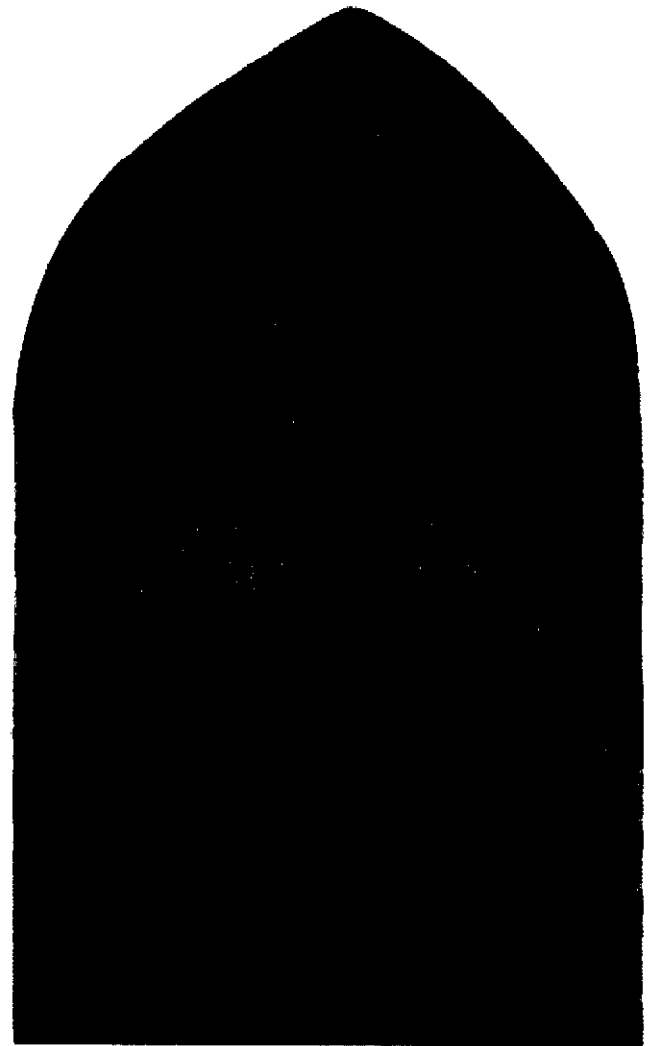
حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله، سپهسالار اعظم (۱۲۹۸-۱۲۴۳ق.)

میرزا حسین خان، پسر بزرگ میرزانی خان امیر دیوان قزوینی است. میرزانی خان، وی و برادرش، یحیی خان را برای تحصیل به فرنگ فرستاد. حاجی میرزا حسین خان پس از بازگشت از اروپا، در سال ۱۲۶۶ق. از طرف میرزا تقی خان امیر کبیر به کنسولگری ایران در بمبئی انتخاب گردید. او پس از طی مدت سه سال مأموریت خود در هندوستان، برای سه سال دیگر به کنسولگری ایران در تغلیس فرستاده شد.

میرزا حسین خان در سالهای پایانی صدارت میرزا آقاخان نوری به مقام وزیر مختاری ایران در استانبول رسید. این مأموریت، خود ۱۲ سال به طول انجامید. تا اینکه در سال ۱۲۸۷ق. به سمت وزارت عدلیه در تهران انتخاب گشت. اندکی بعد، در ۲۹ شعبان ۱۲۸۸ق. به مقام صدارت عظمی ایران رسیده و به لقب سپهسالار نائل گشت. مدت زمامداری وی در این سمت، نزدیک به ۱۰ سال را دربرداشت. بعدها، بنا به ملاحظات عدیده‌ای، مقام وزارت امور خارجه نیز در اختیار او قرار گرفت اما به علت اختلافات شدید ناصرالدین شاه و درباریان با وی، شاه او را به خراسان مأمور کرده و حکومت و نیابت تولیت آن را به وی می سپرد. سرانجام، میرزا حسین خان در سال ۱۲۹۸ق. در سن ۵۷ سالگی درگذشت و یا به تعبیری، به دستور شاه مسموم گردید.

حاج عباس شیرازی

حاج عباس شیرازی در سال ۱۲۳۵ق. برای فراگیری فن ساخت گل مصنوعی به پاریس رفت. (۸) گل‌های مصنوعی از جمله سرگر میهای زنان حرمسرای دربار را تشکیل می داد. حاج عباس که خود آشنا به کار نقاشی و رنگ آمیزی بود، توانست در پاریس، در کارخانه تولید گل مصنوعی مشغول کار گردد. اما ماهیت ظریف این فن مانع از موفقیت وی گردید. بدین جهت، حاج عباس با اجازه محمد میرزا پسر عباس میرزا که در دستگاه وی به عنوان نقاش خدمت می کرد، نسبت به استخدام یک خانم گل‌ساز فرنگی اقدام می کند. او پس از انتخاب یکی از اهالی شهر اورلئان (۹) و قرار پرداخت ۸ هزار فرانک در سال به وی، روانه تبریز گردید. در بین راه، زیبایی



نهایت صمیمیت به من گفت که تمام اسبها و کالسکه‌های من در اختیار شماست و با صفای خاصی در این باب اصرار داشت. انصاف این است که من مردی به این بی‌ریایی و محبت و مهر کمتر دیده‌ام. (۴)

همین دکتر فوریه پس از نوشتن خبر فوت یحیی خان مشیرالدوله چنین می نویسد:

نعش یحیی خان را به مشهد فرستادند. مردن مشیرالدوله که عهده‌دار دو وزارت عدلیه و تجارت بود، دیگ جاه‌طلبی جمعی را به غلبان آورد. به این معنی که چندین نفر در صدد گرفتن مقام او برآمدند، حتی دوست من اعتمادالسلطنه هم که هیچ وقت از هر مقامی که داشته باشد راضی نیست، زن توطئه ساز خود اشرف السلطنه را پیش خانم انیس الدوله سوگلی ناصرالدین شاه فرستاد تا او شاه را به واگذاری وزارت عدلیه به اعتمادالسلطنه وادارد. شاه تا امروز به تکلیف هیچ یک از این مدعیان اعتنایی نکرده و به

خانم و گرییدن او به اسلام، سبب شد که وی به عقد حاج عباس در آید. او پس از ورود به ایران، به علت زیرکی و هوش خود زبان فارسی را آموخت و بعدها، به عنوان آرایشگر اهل حرم، در اندرون محمد میرزا (محمدشاه آینده) مشغول به کار شد. نفوذ فراوان این زن در دستگاه محمد میرزا به حدی بود که وی در بسیاری از مصالح مملکتی و سیاسی با او مشورت می کرد.

نویسنده کتاب منتظم ناصری هم در بیان حوادث سال ۱۲۶۴ق. به وضعیت زن حاج عباس در دربار ایران اشاره کرده و چنین می گوید:

“مادام گلساز فرانسوی زوجه حاجی عباس شیرازی که به شرف اسلام مشرف شده، به شغل مترجمی خادمان حرم جلالت برقرار گردید.”

رابطه و دوستی این زن با مهد علیا، همسر محمد میرزا و مادر ناصرالدین شاه و عزة الدوله، خواهر ناصرالدین شاه بیشتر از همه بود. این نزدیکی به حدی بود که وی به دلیل نداشتن فرزند از حاج عباس، عزة الدوله و ناصرالدین میرزا را به عنوان فرزند خود یاد می کرد. بعد از مرگ شوهرش، وی در اندرون شاهی باقی ماند و بر دخالت‌های خود در کارهای مملکتی افزود. به طوری که انتخاب همسر ناصرالدین میرزا (ناصرالدین شاه آینده) به وی واگذار گردید. او نیز دختر شاهزاده احمدعلی میرزا را به عقد ولیعهد در آورد. سرانجام این زن بعد از مرگ محمدشاه به کمک مهد علیا شتافته و با زیرکی فراوان در رساندن ناصرالدین میرزا به تخت سلطنت تلاش کرد. تا اینکه پس از تاجگذاری ناصرالدین شاه، وی به عنوان مترجم رسمی اندرون با ماهی ۱۰۰۰ فرانک درآمد و ساختمانی نیز جهت اقامت وی به او واگذار گردید. بالاخره او که تا سالهای پایانی عمر در ناز و نعمت در ایران زیست کرد، در سال ۱۲۹۵ق. در سن ۹۰ سالگی درگذشت. توطئه قتل امیر کبیر به احتمال قوی با حيله و نفوذ وی و کمک مهد علیا و عده‌ای دیگر انجام گردید.

میرزا ابراهیم شیرازی

میرزا ابراهیم خان شیرازی تحصیلات مقدماتی خود را در شیراز به پایان رساند. وی به هنگام سفر به مشهد به همراه پدر خود، او را از دست می دهد. پس از آن به قندهار رفته و بعد از مدتی به تهران باز می گردد و از آنجا به روسیه و ترکیه سفر کرده و در سال ۱۲۴۱ق. ۱۸۲۴م. از راه دریا به انگلستان می رود. سفر او همزمان با سلطنت فتحعلی شاه (۱۰) و ولیعهدی عباس میرزا (۱۲۴۹-۱۲۰۳ق.) بود. او در طی این سفر بنا به دعوت شرکت هند شرقی در مدرسه مربوط به آن به آموزش زبان فارسی و عربی می پردازد. در این مدرسه دانشکده به نام هیلیری (۱۱) وجود داشت که میرزا ابراهیم خان در مدت ۱۲ سال اقامت خود در لندن به آموزش در آن مشغول بود.

شاهزاده رضاقلی میرزا (۱۲) در سفرنامه خود به نکات جالبی درباره وی و به خصوص راجع به شرکت او در نشستهای فراماسونرها در لندن اشاره می کند. سرانجام، میرزا ابراهیم در سالهای پایانی سلطنت محمدشاه به ایران آمد و در دربار به سمت مترجم و شخص مورد اعتماد شاه به خدمت مشغول شد. ورود او به دربار ایران قبل از آمدن دکتر کلو که (۱۳) پزشک محمد شاه بود.

دکتر سیریل لویه الگود (۱۴) در کتاب خود (تاریخ پزشکی ایران) به میرزا ابراهیم که قبلاً استاد زبان فارسی در کالج هیلیری (۱۵) بوده، اشاره می کند که محمدشاه به علت عدم اعتماد به خارجی‌ان وی را به سمت مترجمی خود انتخاب می نماید که در ضمن نظارت بر خوراک و داروهای او را که مبتلا به بیماریهای

مختلف از جمله نفرس بود، می کند. میرزا ابراهیم بعد از بهبود حال محمدشاه به عنوان معلم ناصرالدین میرزای ولیعهد (ناصرالدین شاه بعدی) منصوب می شود. از سالهای پایانی زندگی میرزا ابراهیم خان بعد از مرگ محمدشاه (۱۲۶۴ق.) اطلاعاتی در دست نیست. آنچه مسلم است پیشرفت اصلی وی در دربار محمدشاه بود که خود از همکاری و رابطه با گروه فراماسونری انگلستان تأثیر می پذیرفت.

میرزا جعفر خان مشیرالدوله (مهندس باشی)

میرزا جعفر خان، از بزرگان دوره قاجاریه و یکی از پنج نفر اعزامی گروه نخست دانش آموزان ایرانی به اروپا می باشد. وی در زمان سلطنت فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۱۸۵ق.) به دستور عباس میرزا نایب السلطنه (۱۲۴۹-۱۲۰۳ق.) به انگلستان فرستاده می شود. او فرزند میرزا محمدتقی وزیر از کارکنان دستگاه قائم مقام بزرگ می باشد.

میرزا جعفر تحصیلات مقدماتی خود را در تبریز فرا گرفته و بعدها به دلیل نفوذ پدرش در دستگاه یاد شده به عباس میرزا ولیعهد معرفی می گردد. به همین جهت در ۱۰ جمادی الثانی (۱۲۳۰ق.) به همراه چهار دانش آموز دیگر ایرانی از تبریز به انگلستان روانه و در ۲۹ شوال همان سال وارد آن کشور گردید. وی پس از فراگیری برخی از صنایع نظامی از جمله قلعه سازی و توپخانه در طی سه سال و نیم، محل تحصیل خود را ترک کرده و در صفر یاریع الاول ۱۲۳۴ق. به تبریز برمی گردد. آنگاه از سوی عباس میرزا به لقب مهندس باشی نائل گشته و یکی از قرای آذربایجان (قریه ورنکش در گرمود میانج) به نام وی تعیین و به او اگزار می گردد و در سال ۱۲۵۲ق. از طرف محمدشاه قاجار (۱۲۶۴-۱۲۲۲ق.) به لقب خان و سپس مشیرالدوله ملقب می شود.

میرزا جعفر مشیرالدوله در همین سال از سوی محمدشاه به سفارت عثمانی مأمور گشته و تا سال ۱۲۵۹ق. در دربار آن کشور اقامت می گیرند. در مدت حضور او در عثمانی قراردادهای چندی با نمایندگان دولتهای بلژیک و اسپانیا منعقد می شود. این قراردادهای بیشتر جنبه تجاری داشته و از سوی مشیرالدوله به نمایندگی از طرف دولت ایران امضا شد. وی در اواخر سال ۱۲۵۹ق. برای پایان دادن به اختلافات ایران و عثمانی به ارزروم مأمور می شود اما به دلیل بیماری میرزا تقی خان قزوینی (امیر کبیر آینده) که در آن زمان وزیر نظام آذربایجان بود، به جای او به آن شهر رفته و پس از طی نزدیک به چهار سال، قرارداد معروف ارزروم در ۲۶ جمادی الثانی ۱۲۶۲ق. به امضا می رساند.

میرزا جعفر خان مشیرالدوله در سال ۱۲۶۵ق. جهت تعیین خط مرزی بین دولتهای ایران و عثمانی مأمور می گردد اما وی نتوانست حد مرزی را که از آراعات تابتدای اروندرود (شط العرب) ادامه داشته و مورد اختلاف آن دو دولت بود، حل کند. او شرح مأموریت خود را در رساله تحقیقات سرحدیه به نگارش در آورد.

مشیرالدوله در سال ۱۲۷۵ق. از طرف ناصرالدین شاه به سمت شورای وزرای شش گانه انتخاب و با حفظ این سمت، به سفارت ایران در لندن مأمور می شود. سال بعد در سال ۱۲۷۸ق. از طرف شاه به تولیت آستان قدس رضوی منصوب گشت و آن را تا زمان مرگش در سال ۱۲۷۹ق. برعهده داشت. وی پس از فوت در مشهد به خاک سپرده شد.

از میرزا جعفر خان مشیرالدوله آثار فراوانی برجای مانده است که از آن جمله می توان از کتابهای زیر نام برد:

محسن خان معین الممالک ۲۰۰۰۰ لیره، مشیر الدوله ۲۰۰۰۰ لیره، اقبال الملک مبلغی ۴۰۰۰۰۰، خاطرات اعتماد السلطنه، پیشین.

۷- دکتر فوریه، پیشین.

۸- ابراهیم صفائی، فرهاد میرزا معتقد الدوله، انتشارات زوار، ۱۳۶۶، ص ۳۰۹.

۹- Olean.

۱۰- در مورد زنان و فرزندان فتحعلی شاه نظرات متفاوتی گفته شده است. احمد میرزا عضد الدوله، یکی از فرزندان و تعداد زنان او را ۵۰۰ نفر بر شمرده و مورخ الدوله سپهر نیز در کتاب ناسخ التواریخ از آنها به ۱۰۰۰ نفر یاد می کند. به علاوه تعداد فرزندان و نوه های شاه را به هنگام فوت او ۷۸۶ نفر می شمارد. همچنین خانم شیل (Shiel) همسر سفیر انگلیس در ایران، عده پسران فتحعلی شاه را ۸۰ نفر و تعداد دختران او را بی حساب یاد می کند. کنل درویولی (Colonel Drouville) نیز تعداد زنان او را به ۷۰۰ نفر و عده پسران و دختران وی را به ترتیب ۶۴ و ۱۲۵ می نویسد. در این بین خانم دیو لافوی فرانسوی (Madam Dieulafoy) که به اتفاق شوهر باستان شناسش مارسل دیو لافوی (Marsel Dieulafoy) که در سال ۱۸۸۱ به ایران سفر کرده، عده فرزندان و نوادگان فتحعلی شاه را ۵۰۰۰ نفر و تعداد زنهای او را ۷۰۰ و تعداد دختران وی را ۶۰۰ نفر عنوان می کند.

برای اطلاعات بیشتر به کتابهای زیر مراجعه شود:

- احمد میرزا عضد الدوله، تاریخ عضدی، به کوشش حسین کوهی، چاپ اول، ۱۳۳۸.

- میرزا تقی خان لسان الملک سپهر، ناسخ التواریخ، امیر کبیر، ۱۳۳۷، ص ۳۱۳.

۱۱- Haileybury College.

۱۲- رضاقلی میرزا فرزند حسینعلی میرزا و نوه فتحعلی شاه قاجار می باشد. او به همراه دو برادر خود به نامهای نجفقلی میرزا و تیمور میرزا به علت ادعای سلطنت توسط پدرشان در شیراز دستگیر می گردند. آنها پس از بازداشت پدرشان از راه خوزستان و عسکرت خود راه لندن رسانده و در انگلستان پناهنده شدند و جیمز فریزر به عنوان مهماندار پذیرای آنان می شود. او پس از بازگشت شاهزادگان به ایران، کتابی را با عنوان "مسافرت شاهزادگان ایران در لندن" در دو جلد به چاپ می رساند:

(Narrative of the Residence of the Persian princes. In London in ۱۸۳۵ and ۱۸۳۶. London. ۱۸۳۸, ۲ Vols.)

این شاهزادگان در ۲۳ جمادی الاول سال ۱۲۵۳ ق. ۳۱ سپتامبر ۱۸۳۶ م. از راه آلمان، اتریش و ترکیه روانه عراق شده و از آن طریق، به ایران بازمی گردند. آنها در سال ۱۲۵۳ ق. ۱۸۳۶ م. در لندن به دیدار میرزا ابراهیم خان رفته و توسط وی با مدرسه ای که او به آموزش در آن مشغول بود، آشنایی شوند. همچنین اینان با همراهی میرزا ابراهیم خان به جلسات فراماسونری لندن راه یافتند. رضاقلی در سفرنامه خود در این باره می نویسد: با اخوان و میرزا ابراهیم شیرازی و خواججه اسعد ترجمان سه ساعت به غروب مانده به مجمع فرمیسان در آندیم تا چهار ساعت از شب گذشته در آن مجمع و محفل بوده، از اسرار و علوم آن فن شریف می بود باینکه اگر چه قواعد و رسومات آن محفل عظیم آدمی خود دایره رفته باشد و دیده باشد ولیکن آنچه بر ما مشخص و معلوم شد آدی آدمی آن قواعد و رسومات را رعایت کند منافع بسیار از دین و دنیا حاصل خواهد نمود و دو چیز لازمه فرامی است: یکی آنکه سن شخص باید اقل بیست و دو باشد و دیگر آنکه بنده نباشد و آزاد باشد... سفرنامه رضاقلی میرزا نایب الایاله، نشر اساطیر، ۱۳۶۱، ص ۴۴۴.

۱۳- Cloquet.

۱۴- دکتر سیریل لوید الگود در سال ۱۹۲۶ به عنوان پزشک سفارت انگلیس به ایران آمد و مدت ۱۰ سال در این کشور بود و با دانشمندان و ادیبان این سرزمین از قبیل دکتر میرزا علی اصغر خان مودب نفیسی، دکتر عباس نفیسی، دکتر ابوالقاسم بدری، دکتر علی پرتو، سعید نفیسی، دکتر لسان الحکماشمس، آقای دکتر محمود نجم آبادی و دیگران آشنایی نزدیک حاصل کرد. وی به نوبه صیبه ادوارد براون و با همفکری این دانشمندان ایرانی، از همان هنگام بررسی و پژوهش درباره تاریخ پزشکی اسلام ایران را آغاز کرد. حاصل این پژوهش، دو اثر ارزنده تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی و طب ایران در دوران صفوی بود. تاریخ پزشکی ایران بیش از آنکه یکی اثر طبی باشد، حاوی تاریخ اجتماعی این منطقه است که ضمن آن، اشارات و مباحثی مربوط به تاریخ طب همراه با گزارشهای تاریخی دل انگیز مطرح می شود و در عین حال، نحوه تحول و پیشرفت این علم را در این بهینه نشان می دهد.

سیریل لوید الگود، تاریخ پزشکی ایران و سرزمینهای خلافت های شرقی، ترجمه دکتر باهر فرقانی، امیر کبیر، ۱۳۴۶، ص ۵۳۴.

۱۵- Haileybury.
۱۶- نسخه خطی آن به شماره ۷۹۴ در کتابخانه وزارت امور خارجه وجود دارد.



۱- رساله تحقیقات سرحدیه؛

۲- طرز حکومت ایران و مقایسه آن با حکومتهای اروپایی (۱۶)؛

۳- سفارت میرزا جعفر خان مشیر الدوله به حاجی میرزا آقاسی (جز و اسناد

وزارت امور خارجه)؛

۴- خلاصه الحساب (که در سال ۱۲۶۳ در تبریز و تهران به چاپ رسید)؛

۵- جغرافیای جهان (به چاپ نرسیده).

پی نوشتها:

- ۱- علیدین دلاک، پدر بزرگ بیچی خان بود. وی خاصه علی تقی میرزا کن الدوله، پسر فتحعلی شاه بود و بدین سبب، دشمنانش او را دلاک زاده می نامیدند.
- ۲- متأسفانه نگارنده نتوانست محفل و زمان تحصیل بیچی خان و حاجی میرزا حسین خان را در فرانسه بیابد. همینطور نام و نشانی مدرسه یا موسسه ای که این دو در آن به تحصیل پرداختند.
- ۳- همانا طاق، ایران در راه بای فرهنگی، پاریس، انتشارات خاوران، ۱۹۹۰، ص ۲۴۵.
- ۴- دکتر فوریه، سه سال در دربار ایران، دنیای کتاب، تهران، ص ۲۱۸.
- ۵- عیة الدوله خواهر ناصرالدین شاه بود که میرزا تقی خان امیر کبیر به عنوان شوهر نخست وی انتخاب کردید. بعد از مرگ او، به اجاز شاه، میرزا کاظم خان نظام الملک، پسر میرزا آقاخان نوری به عنوان دومین همسر وی برگزیده شد. عیة الدوله پس از برکناری میرزا آقاخان در سال ۱۲۷۵ ق. و تبعید وی خانواده اش از میرزا کاظم خان طلاق گرفته و به عقد شیر خان اعتضاد الدوله توانلو (عین الملک خوانسالار) پسر خان خود درآمد. سرانجام پس از مرگ اعتضاد الدوله برای چهارمین بار ازدواج کرده و به همسری بیچی خان مشیر اندوله درمی آید.
- ۶- اعتماد السلطنه مدعی است که در موقع عقد قرارداد رویت در باب راه آهن ایران، اشخاص ذیل هر یک این مبلغها را شوه گرفته بودند:

میرزا حسین خان صدراعظم ۵۰۰۰۰۰ لیره، میرزا ملکم خان همیتقدرها، حاجی میرزا